

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

ابهام‌زدایی از حواشی مذهبی بحران کرونا و توصیه‌هایی برای مواجهه‌ی بهتر با شرایط

موجود

۱. ممانعت از ورود به حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، بسته شدن حرم‌ها و اعتاب مقدّسه، خشکی و تحجّر، انعطاف‌پذیری، زیارت ظاهری، زیارت باطنی، مزدهی باز شدن راه زیارت باطنی، افراد شیطان مغرض و معاند، افراد کم‌فهم و جاهل.

یکی از شبهه‌هایی که این روزها مطرح است، بسته شدن راه ورود به اعتاب مقدّسه است. در ایران دیگر امکان ورود به حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام وجود ندارد و درها بسته است. حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام و حرم حضرت معصومه علیها‌السلام بسته شد؛ حرم شاه چراغ علیه‌السلام و حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام بسته است. این سبب شد که گروهی از شیاطین، شروع کنند به شبهه‌افکنی که این یعنی چه؛ بستن در خانه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام چه معنایی دارد؟! بعد هم دیدید که متأسفانه حادثه‌ی خیلی دلخراشی در قم پیش آمد که یکی از حوادث تلخ صدر اسلام را تداعی می‌کرد؛ با فشار و با زور، در خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها‌السلام شکسته شد و افراد برای ورود به آنجا راهی پیدا کردند. این خبر خیلی دلخراش است و انسان به یاد شکسته شدن در خانه‌ی صدیقه‌ی اطهر، فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام می‌افتد.

طبیعتاً اگر چنین منعی هم نمی‌شد، عقل و منطق و دین و آموزه‌های اسلامی ایجاب می‌کرد که در شرایطی که یک خطر مهمّ محتمل وجود دارد، انسان [به اختیار و انتخاب] خودش نرود. رفتن ظاهری به حرم اهل بیت علیهم‌السلام، حسابش از ارتباط باطنی با ائمه علیهم‌السلام کاملاً جداست. خیلی از مواقع بوده که راه ورود به اعقاب مقدّسه بسته بوده است. مواقعی بوده که مراجع فتوا داده‌اند که کسی حتّی به حج مشرف نشود؛ حجّی که واجب است؛ چه رسد به زیارت که مستحب است! حتّی سفر حج را منع کرده‌اند و گفته‌اند در این موقعیت و شرایط که فلان خطر مؤمنین را تهدید می‌کند، لازم نیست افراد مشرف شوند. اینجاست که خود ما باید به این فهم و درک برسیم که در شرایط فعلی که احتمال ابتلاء به این بیماری وجود دارد، [نباید به اعقاب مقدّسه برویم. می‌گوییم احتمال ابتلاء؛ نمی‌گوییم ابتلاء یقینی است.] شما به هر جای دیگر جامعه هم آمد و شد کنید، در هر جمع دیگری هم حضور پیدا کنید، آنجا هم ابتلائاتان یقینی نیست؛ آنجا هم محتمل است. الآن سینماها، تئاترها و اماکن ورزشی را بسته‌اند و کلاس‌های درسی را تعطیل کرده‌اند؛ چون در همه‌ی این مکان‌ها، تجمع، احتمال ابتلاء را بالا می‌برد. رفتن به اعقاب مقدّسه هم همین است؛ چیز دیگری که نیست! جا داشت که اصلاً نیازی به بستن این درها نبود و افراد خودشان به آن فهم و درک می‌رسیدند که رفتن به اعقاب مقدّسه در این شرایط، در معرض یک خطر عمده قرار دادن خویشان است، بدون اینکه در قبال این خطر، نفعی به اسلام و جامعه‌ی اسلامی برسد. بله، در شرایطی که اسلام در خطر است، در شرایطی که جامعه‌ی اسلامی مورد تهدید است، وظیفه‌ی انسان است که جانفش را بر کف بگذارد و از صحنه‌های خطر استقبال کند. ولی اگر قرار باشد من از بین این دو امر، یکی را انتخاب کنم؛ یا بروم به این حرم و در داخل حرم، در کنار ضریح، زیارت‌نامه‌ای بخوانم، یا اینکه از منزل خودم سلام بدهم، و من به دلیل خطری که وجود دارد، رفتن را انتخاب کنم؛ این رفتن من مثلاً برای مدّت پانزده روز، یک‌ماه یا دو ماه، آیا منجر به یک ضایعه‌ی بزرگ برای اسلام یا جامعه‌ی اسلامی خواهد شد؟ خطری خلق می‌کند؟ که بگوییم خیلی خب! ولو اینکه من بروم آنجا و بیماری کووید ۱۹ را هم بگیرم و

ویروس کرونا بیاید سراغم، عیبی ندارد! این قیمتی است که می‌پذیرم برای چنین خدمتی که به دین می‌کنم، بپردازم. ولی در شرایط فعلی، واقعاً چنین چیزی نیست.

مؤمن بین دو مرز قرار دارد؛ یک مرز، تحجر و انعطاف‌ناپذیری و مرز دیگر، بی‌هویتی و سست بودن و هر دم به رنگی درآمدن. ببینید! شما آب را که داخل پارچ بریزید، در عین اینکه H_2O بودن خودش را حفظ می‌کند، به شکل پارچ درمی‌آید؛ داخل لیوان بریزید، به شکل لیوان درمی‌آید؛ داخل یک تنگ بریزید، به شکل تنگ درمی‌آید. مؤمن این‌گونه است؛ در عین اینکه اصالت ایمانی خودش را حفظ می‌کند، در هر موقعیتی که قرار می‌گیرد، خودش را با آن موقعیت تطبیق می‌دهد. انسان‌های متحجر و متصلب، انسان‌هایی که قدرت انعطاف‌پذیری ندارند، مثل سنگ هستند؛ دائماً با شرایط محیطی در تضادند؛ هم خودشان آسیب می‌بینند و هم آسیب می‌رسانند. این جلسه‌ی مجازی ما، نمونه‌ی این ویژگی انسان مؤمن است. اگر ما تحجر به خرج می‌دادیم و می‌گفتیم نه! جلسه باید حضوری باشد. ولو خطر کرونا و کووید نوزده و همه‌ی اینها هم وجود دارد، همه‌ی رفقا تشریف بیاورند تا جلسه‌ی حضوری برگزار کنیم. کما اینکه اوایل کار من چنین صحبت‌هایی را هم از طرف برخی از دوستان شنیدم. این یک‌نوع تحجر است؛ یک‌نوع غیرقابل انعطاف بودن در درک شرایط و منطبق شدن بر شرایط است. نقطه‌ی مقابل آن، این بود که بگوییم حالا که نمی‌شود جلسه‌ی حضوری برگزار کرد، برویم دنبال عیش و کیفمان! جلسه دیگر یعنی چه! برویم در این شرایط خوش بگذرانیم! این را بگوییم و کار را رها کنیم. هم این غلط بود؛ هم آن. راهی که الان رفقا انتخاب کرده‌اند، نمونه‌ی یک ویژگی و خصلت مثبت در یک مؤمن است؛ که خودش را با شرایط تطبیق می‌دهد، در عین اینکه اصالت خودش را حفظ می‌کند.

در قضیه‌ی تشرّف به اعتاب مقدّسه هم ماجرا همین است. زیارت اهل بیت علیهم‌السلام فضیلت بالایی دارد؛ اما در موقعیت و شرایط مختلف می‌تواند به شکل‌های مختلف انجام شود؛ الزاماً تنها شکلش این نیست که

فرد برود داخل حرم؛ بعد هم آن حرکتهای زشت و سخیف رخ دهد؛ که ضریح و در و دیوار و امثال اینها را لیس بزنند؛ کارهای زشتی که اصلاً انسان شرمش می‌آید. چگونه شما رویت شد که به حرم اهل بیت علیهم‌السلام وارد شوی و بعد ضریح حضرت را با زبان لیس بزنی؟! این بی‌ادبی نسبت به حضرت نیست؟! این ادب یک انسان اهل ولایت است که شما به‌عنوان اینکه خیلی به ولایت عقیده داری، این کارها را انجام می‌دهی؟! این نهایت سبک‌مغزی است؛ بی‌ادبی و جسارت است. یا آن حرکت بسیار شنیعی که در را بشکنند و بخواهند به‌زور وارد حرم شوند. اینها همه نشان‌دهنده‌ی همان خشکی و تحجّر فرد است؛ که تنها شکل زیارت را در این می‌داند که وارد حرم شود و هیچ نوع ارتباط و زیارت دیگری برایش قابل تصوّر نیست و به هر قیمتی سعی می‌کند با شرایطی که پیش آمده، درگیر شود؛ واقعیت احتمال خطر جدی ابتلاء به این بیماری را نبیند؛ و هم خودش را در معرض بیماری قرار دهد و هم ابزاری شود برای توسعه‌ی این بیماری در جامعه.

به‌هرحال، این انعطاف‌پذیری لازم است. اگر هم منع خارجی نمی‌شد، عقل و فهم ما باید ما را از رفتن به فضاهای عمومی منع می‌کرد؛ حالا چه نماز جماعت باشد، چه نماز جمعه باشد، چه تشرّف به اعتبار مقدّسه باشد و چه هر جمع دیگری که جنبه‌ی معنوی و دینی دارد و دارای تقدّس است. در پشت صحنه‌ی این کارها، یک‌عده محرّک معاند هستند که کینه‌ی این نظام دینی را به دل دارند و می‌خواهند به هر قیمتی شده، آسیبی بزنند؛ منتها خودشان جلوی صحنه نمی‌آیند؛ یک‌عده انسان کم‌فهم جاهل که احساساتی هستند را تحریک می‌کنند و به چنین رفتارها و اعمال زشتی وامی‌دارند. اینها نوعی عقده خالی کردن نسبت به حکومت دینی این مملکت است؛ نوعی تصفیه‌حساب با انقلاب است. باید در مورد اینها هوشیار باشیم و بدانیم داستان چیست.

این در مورد جنبه‌ی ظاهری قضیه بود. در جنبه‌ی باطنی قضیه هم، ببینید! وقتی راه ظاهر بسته می‌شود، خبر خوشی است برای اینکه راه باطن باز شود. به این ماجرا چندان با دید منفی نگاه نکنیم!

آن قدر ما مشغول همین زیارت‌های ظاهری بودیم (به‌طور جمع می‌گوییم؛ در جامعه‌ی دینی ما این‌گونه بود). که اصلاً تصوّر اینکه زیارت باطنی هم وجود دارد، کمتر به ذهن‌ها می‌آمد. مدام در این کار بودیم که از مشهد به قم برویم؛ از قم به حضرت عبدالعظیم برویم؛ از آنجا برویم شیراز خدمت شاه چراغ و امثال اینها. دائماً از اینجا به آنجا در داخل مملکت؛ یا اینکه برویم به کربلا، به نجف، به سامرا، به کاظمین؛ برویم سوریه؛ برویم زینبیه یا امثال اینها؛ دائماً در سفرهای ظاهری؛ بدون تأمل در اینکه این ظاهر، نمادی است از یک حقیقت بزرگ باطنی. باطن زیارت مهم است؛ اینکه ما به محضر خود امام راه پیدا کنیم و از راه درون به حقیقت ولایت متصل شویم؛ این است حقیقت زیارت. کتاب ره‌توشه‌ی دیدار را همی رفقا خوانده‌اند؛ و علاوه بر آن، فایل‌های صوتی بحث‌های مفصلی که راجع به مبحث زیارت کرده‌ایم را هم شنیده‌اند. به‌هرحال باید خیلی هوشیار بود؛ گمان نکرد که تنها راه زیارت این است که ما به هر زوری شده و با تن دادن به هر خطری و ابزار توسعه‌ی هر خطری شدن، وارد فضاهای دینی شویم؛ وارد حرم اهل بیت علیهم‌السلام شویم. اگر از دید توحید افعالی نگاه کنید، همه‌کاره‌ی عالم خداست. خدا ظاهر را بست تا به راه باطن توجه کنیم و ان‌شاءالله از راه باطن، ارتباط برقرار کنیم؛ یعنی ان‌شاءالله یک مژده‌ی بزرگ در آن خواهد بود.

به‌هرحال، این اتّفاقی بود که افتاد، و بعد هم متأسفانه از طرف یک‌عده افراد احساساتی کم‌فهم و جاهل که در پشت پرده، از طرف افراد شیطان و مُعرضی که آنها را ابزار دست قرار داده بودند تحریک شدند و هنوز هم دارند این ماجرا را ادامه می‌دهند، عکس‌العمل‌هایی دیدیم که شایسته نبود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ